

باد هر دم داده دشنامش به آواز بلند
جای خاکش برف افشانده بفرق مستمند

لیک زنگک نیمشب با صد خروش
بر توانگر گفته هر دم نوش نوش

ای توانگر در غم بیچارگان بودن خوشست
در جهان بر بینوایان مهربان بودن خوشست
در پی جلب قلوب این و آن بودن خوشست
چند بیرحمی ، بفکر مردمان بودن خوشست

چند روزی ترك عادت بهتر است
این عمل از هر عبادت بهتر است

.

ای غنی از جنبش وجوش گدایان ، الخدر
ای نواداران ز یأس بینوایان ، الخدر
ای زبرستان ز خشم خرده پایان ، الخدر
ای توانگر زینهمه ظلم نمایان ، الخدر

لطف کن تا خلق ساکت بگذرند
بر تو با خشم و حسادت ننگرند

وترجمتها :

« ليلة الشتاء »

کلاهما محروم من السعادة ، کلاهما محکوم علیه بالفناء
کلاهما عديم القيمة أمام طوفان الطبيعة
کلاهما وطئته القوانين المجحفة بالنعال